

## نابغه محروم

نابغه محروم

دکتر امیر هوشنگ مهاجرین

نشر رسانش

دکتر امیر هوشنگ مهاجرین

نقاشی اوست و آن را از روی آینه ساخته و چهره بشاش و خندان او را نشان می‌دهد، کپی دفن مسیح که کپی از یکی از کارهای کاراواجیو است و دو پرتره دیگر از کارهای کاراواجیو، کسادای بازار هنر که

قدرت طراحی و رنگ‌آمیزی دست و پاها رانشان می‌دهد، کارگر خسته، پرتره‌هایی از خود و خانواده‌اش، مادر و کودک، و چند تابلوی دیگر نام برد که بیشتر این تابلوها در اختیار دولت و در موزه هنرهای معاصر تهران است. تعدادی از تابلوهایش در منزل اقوام نگهداری می‌شوند. تابلوی بازار نیز که به سبک مدرن و دارای رنگ‌های تاریک است، بازاری را با سقف منحنی و راهروی باریک نشان می‌دهد. در وسط معبر، چند عابر ایستاده دیده می‌شود و در دو طرف مدخل آن، در و پنجره و چندین دکه نقاشی شده است. این تابلو در اختیار نگارنده کتاب است. متأسفانه تعدادی از تابلوهای مصحف که نزد اقوامش بوده به فروش رفته است.

آنچه از نامه‌ها برمی‌آید، گویای زندگی سخت مصحف در خارج از کشور بوده و بیانگر چگونگی انتقال آثارش به ایران است.

آثار باقیمانده مصحف به همت حسن رییس قاسمی و همکاری سازمان میراث فرهنگی کشور بعد از مرگ مصحف صورت گرفت. در این مورد می‌خوانیم:

«رییس قاسمی با همه تلاشش در مورد گرفتن پاداش برای خانواده مصحف از اداره میراث موفق نشد. آنها از طرفی رییس قاسمی را وابسته به خانواده مصحف نمی‌دانستند و از طرف دیگر، از آنجا که تابلوها از طرف سفارت ایران در رم به موزه هنرهای معاصر رسیده بود، خود را مسئول نمی‌دانستند. آنها اداره موزه معاصر را جوابگو می‌دانستند و اینکه موزه باید درباره پاداش به هنرمند مزبور تصمیم بگیرد. سرانجام، در اثر همت و پشتکار رییس قاسمی، تابلوها را در موزه معاصر جای دادند. تا آنجا که اطلاع در دست است، تابلوها را کارشناسی کردند و در انبار موزه نگهداری می‌کنند و هنوز برای بازدید عموم و هنردوستان به نمایش گذاشته نشده است. بنابر گزارش رییس قاسمی، سازمان میراث فرهنگی و اداره موزه معاصر، تابلوهای استاد مصحف را برای موزه به عنوان هدیه ایشان به موزه محسوب داشته‌اند.»

«وقتی مصمم شدم سرگذشت زندگی استاد مصحف را در کتابی بازگو کنم، حقایق نوشته شده در نامه‌هایش را بنیان و اساس آن قرار دادم که آشکارا گویای زندگی هیجان‌انگیز و رنج آور او می‌باشد. با توجه به چگونگی زندگی استاد مصحف،

کتاب را «نابغه محروم» نامیدم. در حقیقت باید گفت که، انتخاب این نام برای کتاب بسیار حیرت‌انگیز است زیرا، نزدیک به یک قرن پیش، وقتی استاد مجسمه پر ابهت پیرمرد محزون را ساخت و آن را «نابغه محروم» نامید آیا می‌دانست که چهره واقعی خود را می‌آفریند و حقیقت زندگی خود را پیش گویی می‌کند! چهره‌ای که در مغرب زمین سرگردان و محروم بود و در وطن ناشناخته ماند. نابغه‌ای که استعداد ذاتی‌اش پرورش نیافت و نبوغ هنری‌اش مجال ظهور رشد و اعتلا پیدا نکرد.»

آنچه بر قلم امیر هوشنگ مهاجرین آمده است تنها بر اساس نوشته‌های خود مصحف می‌باشد. مطلب بیان شده، بخش‌هایی از نامه‌های اوست و شیوه نامه‌های وی در قسمت نامه نگاری معرفی و بررسی شده است. شاید محرومیت مصحف و ناشناخته ماندن او به دلیل عدم پشتکار هنری‌اش بوده است. او که نبوغ و استعداد ذاتی فراوانی داشت، آثار بسیاری ایجاد نکرد. سال‌ها در ایتالیا و آمریکا اقامت گزید و در فروردین ماه ۱۳۷۶ هجری شمسی، دور از وطن در ایتالیا نزدیک رم در شهر جنزانودی روما درگذشت.

مجسمه‌ی مرد خسته و نابغه‌ی محروم از بهترین کارهای اوست. هر دو مجسمه بالاتنه آنها را نشان می‌دهد. مرد خسته خاکستری رنگ و نابغه‌ی محروم حنایی رنگ بود. مصحف در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰ بیشترین وقت خود را صرف ساختن مجسمه‌های سنگی کرد، مجسمه بتهون، کارگر، سردار شکست خورده، نابغه محروم و پیرمرد روحانی.

از مصحف در زمینه‌ی نقاشی نیز آثاری بر جای مانده است. فعالیت هنری مصحف در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۵ محدود بود و در سال‌های ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۵ در شهر سنت لویس فعالیت‌های هنری قابل ملاحظه‌ای نیز داشت و در طی دو سال چندین تابلوی رنگ و روغن ساخت. آنچه از تابلوهای هنر نقاشی مصحف شناخته شده و در دست است می‌توان از عشق هنر که بزرگ‌ترین